



اقتصاد بین الملل



یورویی اعتبار می شود؟

رئیس بانک مرکزی روسیه، الویرا نایبولینا هشدار داد، اگر بروکسل تهدید به استفاده از دارایی‌های مسدودشده روسیه برای کمک به اوکراین کند، یورو می‌تواند جایگاه خود را به‌عنوان ارز ذخیره جهانی از دست بدهد. به گزارش «ایران اقتصادی»، رئیس بانک مرکزی روسیه اظهار کرد که به نظر ما، برداشت درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری وجوه مسدودشده و هم مسدودکردن وجوه، چشم‌انداز توسعه یورو به‌عنوان ارز ذخیره و استفاده از آن در تسویه حساب‌های بین‌المللی را بدتر می‌کند. نایبولینا خاطرنشان کرد در حال حاضر، تنظیم‌کننده راه‌هایی برای بازگرداندن دارایی‌های مسدودشده، احتمالاً از طریق دادگاه را ارزیابی می‌کند، اگرچه این روند می‌تواند چالش‌برانگیز باشد. اتحادیه اروپا، ایالات متحده و متحدان آنها از سال گذشته میلیاردها دارایی و اموال روسیه متعلق به افراد و نهاد‌های روسی را به‌عنوان بخشی از کمپین تحریمی علیه مسکو برسر‌درگیری اوکراین مسدود کرده‌اند. باوجود هشدارهای مکرر روسیه و بسیاری از کارشناسان غربی مبنی بر اینکه این مورد می‌تواند اعتماد جهانی به سیستم مالی غرب و ارزش‌های آن را به‌خطر بیندازد، کشورهای غربی به‌طور فعال در حال بررسی راه‌هایی برای استفاده از این بودجه برای کمک به کی‌یف هستند. طبق گزارش این هفته فایننشال تایمز، به نقل از یک مقام ناشناس گروه هفت، این گروه اخیراً بحث‌ها را در مورد تصرف دارایی‌های مستقل روسیه «به‌عنوان اقدام متقابل برای ترغیب روسیه به پایان دادن تجاوزاتش» افزایش داده و راهی منطبق با قوانین بین‌المللی برای انجام آن تعیین کرده است. به گزارش ایسنا از بیژنس، این گروه در نظر دارد تا در دومین سالگرد درگیری اوکراین در فوریه سال آینده، پیشنهاد مفصلی را در نشست رهبران خود ارائه دهد. روسیه مسدود کردن دارایی‌های خود را غیرقانونی می‌داند و توقیف احتمالی وجوه را زدی آشکار تلقی می‌کند.

حمل‌ونقل دریایی روسیه رکورد زد

یوری ترونتف، معاون و فرستاده روسیه در خاوردور اعلام کرد که روسیه به‌طور فعال تجارت خود را از طریق مسیر دریای شمالی (NSR) گسترش می‌دهد و آمار محموله‌ها در سال ۲۰۲۳ به بالاترین میزان خود خواهد رسید. به گزارش «ایران اقتصادی»، وی طی سخنانی در نشست کمیسیون بین‌دولتی روسیه و چین در پکن اظهار کرد که انتظار می‌رود حجم حمل‌ونقل کالا از طریق آبراه قطب شمال تا پایان سال به بیش از ۳۶ میلیون تن افزایش یابد که نشان‌دهنده افزایش ۹ برابری از سال ۲۰۱۵ است. پیش‌بینی می‌شود در پروژه‌های در حال اجرا، گردش مالی حمل‌ونقل در سال آینده حتی بیشتر از این افزایش یابد و به بیش از ۵۰ میلیون تن برسد. ترونتف خاطرنشان کرد که مسیر دریای شمالی به‌سرعت در حال تبدیل شدن به گذرگاه بزرگ تجارت جهانی و جایگزینی برتر برای سایر کریدورهای کشتیرانی مانند کانال سوئز و پاناما است. وی گفت: کانال سوئز، شریانی جهانی است اما با گیرکردن یک کشتی در آن، کانال مسدود می‌شود که قطعاً در مورد مسیر دریای شمالی صدق نمی‌کند. ترونتف به‌علاقه چین به توسعه مسیر دریای شمالی، بویژه در مورد پروژه‌های زیربنایی اشاره کرد. این مقام مسئول افزود: اکنون روسیه و چین در حال گفت‌وگو در مورد همکاری در زمینه بیمه هستند، زیرا یکی از مشکلاتی که در توسعه مسیر دریای شمالی وجود دارد این است که نمایندگان کشورهای غیردوست روسیه تصمیم به تعلیق بیمه کشتی‌هایی گرفتند که از این آبراه عبور می‌کنند. مسیر دریای شمالی کریدور حمل‌ونقل در منطقه اقتصادی انحصاری روسیه است که در تمام طول مناطق قطب شمال و خاو دور روسیه امتداد دارد. روسیه در هشت سال گذشته به‌طور فعال در حال توسعه این کریدور بوده است. به گزارش ایسنا از بیژنس، مسکو قصد دارد از سال آینده با استفاده از ناوگان فعلی یخ‌شکن‌های هسته‌ای خود، ناوبری را در تمام طول سال از طریق این مسیر راه‌اندازی کند و انتظار می‌رود گردش کالا را که معمولاً از ماه دسامبر تا ماه مه به دلیل یخ‌های قطور متوقف می‌شود را از بین ببرد.

تکنولوژی

مونتاز تراشه‌های پیشرفته چینی در مالزی



تعداد رو به‌رشدی از شرکت‌های طراحی نیمه‌رسانای چینی از شرکت‌های مالزیایی برای مونتاز بخشی از تراشه‌های پیشرفته خود استفاده می‌کنند تا در صورت گسترش تحریم‌های آمریکا، از ریسک‌های احتمالی اجتناب کنند. به گزارش «ایران اقتصادی»، رویترز به نقل از منابع آگاه

نوشت: این شرکت‌ها از شرکت‌های چیکینگ تراشه مالزی درخواست کرده‌اند نوعی از تراشه معروف به واحدهای پردازنده گرافیکی (GPU) را مونتاز کنند. این درخواست فقط شامل مونتاز است که با محدودیت‌های آمریکا مغایرت ندارد و شامل ساخت و یفرهای تراشه نیست. به گفته منابع آگاه، بعضی از قراردادها مورد توافق قرار گرفته‌اند. واشنگتن برای محدود کردن دسترسی چین به تراشه‌های GPU که می‌توانند به پیشرفت هوش مصنوعی یا برابریانه‌های قدرتمند و برنامه‌های نظامی کمک کنند، محدودیت‌هایی را روی فروش این قطعات و همچنین تجهیزات ساخت آنها اعمال کرده است. به گفته تحلیلگران، تأثیر این تلاش برای تأمین خدمات پکیجینگ پیشرفته کافی در داخل کشور هستند. دومنغ آگاه گفتند: بعضی از شرکت‌های چینی به خدمات پکیجینگ پیشرفته تراشه علاقه‌مند هستند. پکیجینگ پیشرفته تراشه می‌تواند عملکرد تراشه را به میزان قابل ملاحظه‌ای بهبود دهد و به‌عنوان یک فناوری مهم در صنعت نیمه‌رسانا ظاهر شده است. این گاهی اوقات شامل ساخت چیپ‌لت‌هایی است که در آن تراشه‌ها به‌صورت فشرده بسته‌بندی می‌شوند تا به‌عنوان یک مغز قدرتمند باهم کار کنند. اگرچه این خدمات هنوز مشمول محدودیت‌های صادراتی آمریکا قرار نگرفته‌اند اما حوزه‌ای است که نیازمند فناوری پیشرفته است و شرکت‌ها نگران هستند که ممکن است روزی هدف محدودیت‌های صادراتی به چین قرار بگیرد. مالزی که قطب بزرگ زنجیره تأمین نیمه‌رسانا به‌شمار می‌رود، در موقعیت مناسبی برای تقویت بیشتر کسب و کار قرار گرفته است زیرا شرکت‌ها و کارخانه‌های تراشه‌چینی در حال متنوع‌کردن نیازهای مونتاز خود به خارج از چین هستند. طبق گزارش ایسنا از رویترز، مالزی در حال حاضر حدود ۱۳ درصد در پکیجینگ، مونتاز و تست نیمه‌رسانای جهان سهم دارد و قصد دارد این سهم را تا سال ۲۰۲۰ به ۱۵ درصد افزایش دهد.



کنترل رشد نقدینگی و همچنین ادغام دو مؤسسه بدون ایجاد شوک پولی به اقتصاد کشور، نشان از موفقیت اولیه اقدامات بانک مرکزی در دوره جدید خود دارد

بانک مرکزی در یک اقدام پیش‌دستانه و قبل از بروز بحران با تطبیق بدهی و دارایی‌های مؤسسه نور و انتقال آن به بانک ملی، زمینه را برای جلوگیری از بروز بحرانی شبیه به سال ۹۶ فراهم کرد

بانک مرکزی در یک اقدام پیش‌دستانه و قبل از بروز بحران با تطبیق بدهی و دارایی‌های مؤسسه نور و انتقال آن به بانک ملی، زمینه را برای جلوگیری از بروز بحرانی شبیه به سال ۹۶ فراهم کرد

مؤسسه نور و همچنین اظهارات بانک مرکزی، تجربه سال ۹۶ تکرار نخواهد شد و در این مورد نگرانی وجود ندارد. اولاً، بر اساس اعلام مدیران مؤسسه نور، نسبت بدهی به دارایی در این مؤسسه کمتر از یک بوده و میزان بدهی‌های آنها نزدیک و برابر با کل دارایی‌های آنها بوده است. این در حالی است که در سال ۱۳۹۶ تمام مؤسسات اعتباری ورشکست شده دو برابر بیشتر از دارایی‌های خود بدهی داشتند. پنج مؤسسه مذکور طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶ برای جذب نقدینگی سود دوره‌ای بیش از ۲۸ درصد پرداخت کرده بودند که این موضوع سبب انباشت بدهی شده بود. این در حالی است که بانک مرکزی با نظارت مستقیم بر عملکرد مؤسسه نور، اجازه تجاوز سود پرداختی این مؤسسه از نرخ‌های مصوب مانند ۲۳ درصد رانداه است.

ثانیاً، در سال ۱۳۹۶ سیاست بانک مرکزی به نوعی واکنشی بوده و در واقع کار از کار گذشته بود. در آن سال با یورش سپرده‌گذاران به مؤسسات اعتباری برای دریافت پول خود، ورشکستگی مؤسسات نمایان شد و بانک مرکزی چاره‌ای جز دخالت و جبران مطالبات مردم نداشت. این در حالی است که در تجربه فعلی، بانک مرکزی در یک اقدام پیش‌دستانه و قبل از بروز بحران با تطبیق بدهی و دارایی‌های مؤسسه نور و انتقال آن به بانک ملی مزایا را برای جلوگیری از بروز بحرانی شبیه به سال ۹۶ فراهم کرد. لازم به ذکر است که در سال ۹۶ از بین ۶ مؤسسه بزرگ و فعال کشور، پنج مؤسسه ورشکست شدند و تنها مؤسسه‌ای که با پاسخ به نیاز سپرده‌گذاران رفیع نگرانی‌ها به فعالیت خود ادامه داد، همین مؤسسه نور بود.

ایجاد انگیزه اصلاح با کنترل ترانزنامه وداریایی
به‌طور کلی در تمام دنیا در برخورد با یک بانک ناتراز یا در اصطلاح ورشکسته، چهار راه‌حل وجود دارد. اول اعلام ورشکستگی و اجازه انحلال بانک از طریق قانون عادی شرکت است. این گزینه برای بانک‌های بزرگ و به‌هم پیوسته امکان‌پذیر نبوده و نه‌تنها زمان‌بر است، بلکه عدم اطمینان زیادی ایجاد می‌کند. تجربه این موضوع به خوبی در سال ۹۶ ملموس است. گزینه دوم اما وارد عمل شدن بانک مرکزی به عنوان رگولاتور و حل و فصل کردن موضوع است که فرایندی به مراتب پیچیده بوده



ادغام دو مؤسسه اعتباری بدون شوک پولی

بانک مرکزی انحلال و یا ادغام یک بانک را به‌عنوان آخرین راه‌حل در نظر گرفته و همزمان اصلاح نظام بانکی را از طریق کنترل مقداری ترانزنامه‌ها پیگیری می‌کند

تحلیل

نظر مشترکی ندارند. به‌طور فنی‌تر، نسبت کفایت سرمایه از تقسیم سرمایه پایه به دارایی‌های موزون شده به ریسک به دست می‌آید و به نوعی نشان می‌دهد که یک بانک در مقابل تعهدات خود، چه میزان دارایی باکیفیت دارد. کیفیت دارایی قطعاً در رسمی بودن و نقد شونده بودن آن است. به‌طور مثال، بازپرداخت وام‌های بانکی که ۱۰ سال از پرداخت آن گذشته و همچنان یک بانک آن را دارایی خود حساب می‌کند، نمی‌تواند دارایی باکیفیتی باشد چرا که صرفاً یک تقلب حسابداری است و در صورت مالی ثبت شده است. سرمایه‌منفی تقریباً همیشه ناشی از اعطای وام به وام‌گیرندگانی است که نمی‌توانند وام‌های خود را بازپرداخت کنند و بنابراین بانک بابت این وام‌ها متحمل ضرر می‌شود. البته از این جمله این برداشت را نداشته باشید که زبان بانک‌ها از وامی است که مردم عادی دریافت و اقساط آن را پرداخت نکرده‌اند. اتفاقاً این زبان از شرکت‌ها، اشخاص و بنگاه‌های مرتبط با خود بانک است که با زد و بندهای فراوان و بدون وثیقه معتبر و کافی وام‌هایی را دریافت می‌کنند که به هر دلیلی آن را باز نمی‌گرداند.

طبق صورت‌های مالی بانک‌های کشور در سال ۱۴۰۱، نسبت کفایت سرمایه نظام بانکی حدود منفی ۷.۵ درصد بوده که رقیب مغایر با استانداردهای بانکی در داخل کشور و صد البته بین‌المللی است. بانک مرکزی نسبت ۸ درصد را از بانک‌ها به‌عنوان نسبت استاندارد طلب می‌کند که این مهم حداقل برای چند بانک رعایت نشده و همین موضوع اصلاح کفایت سرمایه بانک‌ها را سوزده بانک مرکزی در دوره اخیر کرده است. نکته قابل‌توجه‌تر اینکه اگر نسبت کفایت سرمایه یک بانک مشخص را از محاسبات خود خارج کنیم، نسبت کفایت سرمایه مابقی بانک‌های کشور به رقم مثبت ۱.۵ درصد برمی‌گردد که باز هم ۵ برابر کوچک‌تر از قانون بانک مرکزی است. تخمین‌های اولیه نشان می‌دهد که سیستم بانکی حداقل ۴۵۰ هزار میلیارد تومان برای تزریق به سرمایه خود و ارتقای کفایت سرمایه تا نسبت ۸ درصد نیاز دارد که قطعاً چنین پولی را نه دولت و نه بانک مرکزی نمی‌توانند در اختیار آن بگذارند. پس راه‌حل چیست؟

کنش یا واکنش بانک مرکزی؟

پاسخ این سؤال به نوعی در اقدامات

بانک مرکزی کشور در ماه‌های اخیر وجود دارد که انحلال و یا ادغام یک بانک را به‌عنوان آخرین راه‌حل اصلاح ناترازی در نظر گرفته و همزمان اصلاح نظام بانکی را از طریق کنترل مقداری ترانزنامه‌ها، ارتقای کیفیت دارایی آنها و... پیگیری کرده است. محمدرضا فرزین، رئیس کل بانک مرکزی نیز در اظهارات خود از تلاش جدی بانک مرکزی در این موارد سخن گفته است. زمانی که بانک‌ها وارد مرحله به اصطلاح کژمنشی می‌شوند، دیگر به راحتی نمی‌توان در مورد آنها تصمیم گرفت. کژمنشی یعنی سود یک بانک به جیب خودش و صاحبان آن رفته، اما اگر بخواهد انحلال و یا ادغام شود، ممکن است دودش به چشم تمام اقتصاد برود چرا که بانک مرکزی مسئول جبران زیان‌های اوست و این کار معنایی به غیر از چاپ پول و خلق تورم ندارد؛ سیاستی که در مورد پنج مؤسسه کاسپین، ایرانیان، افضل توس، آرمان وحدت و ثامن‌الحجج در سال ۹۶ انجام شد.

در واقع در آن سال، زمانی که بانک مرکزی به مسأله ورشکستگی این پنج مؤسسه ورود کرد، تمام آنها ورشکسته شده بودند و از پس تعهدات خود که در واقع همان سپرده‌های مشتریان بود، برنمی‌آمدند. به عبارت دیگر، مشتریانی که برای برداشت پول خود به این مؤسسات مراجعه می‌کردند، با پاسخ منفی آنها مواجه می‌شدند. به‌مانند که این موضوع انباشت حدود پنج سال فعالیت مخرب و خارج از چهارچوب این مؤسسات با پرداخت سودهای بالا بود که با ورود دیر هنگام بانک مرکزی به مسأله، بحران به کل اقتصاد برخورد کرد. بانک مرکزی برای رفع تعهدات آنها ۳۳ هزار میلیارد تومان پایه پولی چاپ کرد و تورم آن بلافاصله در دی و بهمن ۹۶ به اقتصاد کشور برخورد کرد. در شرایط فعلی، اما وضعیت دو مؤسسه توسعه و نور متفاوت‌تر از سال ۹۶ بوده و بازترین تفاوت با آن همین موضوع است که بانک مرکزی این بار بموقع و قبل از بروز بحران به مسأله ورود کرده است. در واقع این بار موضع بانک مرکزی، «کنشی» بود، در حالی که در آن دوره همه چیز «واکنشی» بوده است.

فاجعه ۹۶ تکرار نمی‌شود

انتقال مؤسسه نور به بانک ملی نیز یادآور این اتفاقات پولی کشور شده و برخی از کارشناسان را نگران کرده است. این در حالی است که بر اساس بررسی مالی